

ای صدر منشرح بذکر الله این عالم امکان ظلمتگاه غموم و هموم جسمانی و روحانی و تنگنای محنت و مشقت عنصری و وجدانیست صحرای دلگشایش سجن سجن است و ریاض جانفزایش اسفل سافلین شهد شیرینش حنظل و سم عظیمست و دریاق اعظمش زهر بی‌مثل و نظیر حلاوت نوشش سمیت نیش است و صباحیت رویش زشتی رخسار و جبین عزت بی‌پایش ذلت پایدار است و ثروت بی‌پایانش فقر و مسکنت بیشمار لکن از افق این امکان آفتاب انوری طالع و از مشرق این اکوان نیر اعظمی لائح که ظلمت شدیدش را مبدل بصبح امید نماید و طوفان اعظمش را راحت بی‌بدیل سم ناقعش را شهد فائق کند و زهر قاتلش را ثمره نخل باسق نماید محنت شدیدش را راحت جان نماید و آلام عظیمش را موهبت وجدان کند آن کوکب لامع و بدر ساطع آفتاب محبت الله است و نیر انقطاع از ماسوی الله و قیام باعلاء کلمة الله و نشر نفحات الله و شعله نورانی هدایت الله پس جهدی باید که باین مقام بلند اعلی رسیم و از این کأس اعلی نوشیم